



بهترین راه کنترل نفس، پاسخ به این سؤال است: «من کی هستم؟» / سیاستمداری که عبد نباشد، یا دچار خطا می‌شود یا خیانت / ابلیس دوست دارد ما به خواسته‌های خود فکر کنیم نه به هویت خود

حجت الاسلام علیرضا پناهیان در دهه اول محرم، در دانشگاه تهران با موضوع «هویت یک عبد» به ایراد سخنرانی پرداختند. گزیده‌ای از نهمین جلسه این سخنرانی در ادامه می‌آید:

ابلیس دوست دارد ما به خواسته‌های خود فکر کنیم نه به هویت خود

- برای ابلیس خیلی مهم است که این سؤال را در ذهن ما ایجاد کند که ما چه می‌خواهیم، چه تمایلات و چه دوست‌داشتنی‌هایی داریم. حتی اینکه به چه پاسخی برسیم چندان برایش مهم نیست، چون پرداختن انسان به همین سؤال کافی است تا او را به ورطه نابودی بکشاند. بدتر از ایجاد این سؤال در ذهن ما، این است که گاهی ابلیس ما را وادار می‌کند به این بیردازیم که چطور می‌توانیم به خواسته‌های خود برسیم. یعنی به جای اینکه فکر کنیم که «ما اساساً کی هستیم و هویت ما چیست؟» ما را وادار می‌کند به این موضوع فکر کنیم که «چه خواسته‌هایی داریم و چطور می‌توانیم به آن خواسته‌ها برسیم؟» محل فریب ابلیس در داستان آغازین خلقت، این بود که به آدم گفت: «آیا من به تو بگویم که چطور به خواسته‌ات برسی؟» قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَ مُلْكٍ لَا يَبْلَى (طه/۱۲۰) یعنی ابلیس، حضرت آدم را به این فکر واداشت که چطور می‌تواند به خواسته‌اش برسد، و همین موجب فریب او شد.

بهترین راه تربیت، کنترل نفس، و رسیدن به معنویات، پاسخ به این سؤال است: «من کی هستم؟»

- بهترین راه تربیت، کنترل نفس، عبادت و رسیدن به معنویات پاسخ دادن به این سؤال است که «من کی هستم؟» اگر آدم این را بفهمد، ریشه معاصی سوزانده می‌شود. اگر بدانیم کی هستیم، توقعات ما معلوم می‌شود و بر اساس آن توقعات، آرزوها و خواسته‌های ما تنظیم خواهد شد. آدم با درک هویت خودش می‌تواند توقعات خود را تنظیم کند. اما اگر کسی تلقی غلطی از خودش داشته باشد، فکر می‌کند برای خودش شاهزاده‌ای است، لذا خودش را خیلی دست بالا می‌گیرد. طبیعتاً چنین کسی عبد بودن خود را درک نکرده است و برای خودش سلطنتی قائل است. خداوند می‌فرماید وقتی این افراد در عذاب جهنم قرار می‌گیرند به آنها گفته می‌شود: (عذاب را) بپوش که تو همان نازپرورده گردن‌کشی هستی! «ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ» (دخان/۴۹)
- خداوند در قرآن کریم نه تنها هویت ما را به عنوان یک عبد به اطلاع ما می‌رساند، بلکه این هویت را به «باور» ما می‌رساند. اصلاً تمام قرآن برای این است که ما باور کنیم که عبد هستیم. فرآیند باور کردن خیلی مهم و خیلی سخت است و قرآن این کار را برای ما ساده کرده است. قرآن فقط به ما اطلاع و آگاهی نمی‌دهد، بلکه باور می‌دهد.



اگر به فطرت خود مراجعه کنیم، به ما خواهد گفت: «تو عبد هستی» / حقیقت وجود ما، انسان نیست،

عبد است

- اگر بگوییم: «ما انسان هستیم» باز هم به حقیقت وجود خودمان اشاره نکرده‌ایم. حقیقت وجود ما عبارتست از «عبد»؛ ما عبد هستیم و همیشه هم عبد خواهیم بود. حتی رسول خداوند که در اوج قرار دارد، باز هم عبد خداوند است و ما هر روز و در هر نمازی به این حقیقت شهادت می‌دهیم: «اشهد ان محمداً عبده و رسوله» اگر به فطرت خودمان مراجعه کنیم، به ما می‌گوید که «تو عبد هستی!» چون عبد بودن فطری است. کسی که به عمق فطرت خودش نگاه کند، تصویری غیر از عبد بدون نخواهد داشت: «وَمَا لِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ؛ و چرا من آفریننده خود را نپرستم در صورتی که بازگشت شما به سوی او است» (یس/۲۲)
- باید این عبد بودن را برای خودمان جایاندازیم. دلیل اینکه بعضی‌ها با سختی‌های زندگی مشکل دارند این است که هنوز درک نکرده‌اند که عبد هستند؛ اینها اگر در مورد خودشان تلقی عبد بودن داشتند، می‌فهمیدند که مولای آنها (خدا) خواسته است که آنها در چنین شرایطی باشند، ولذا خیلی راحت شرایطی را که خدا برایشان در نظر گرفته است، می‌پذیرفتند.

سیاست‌مداری که عبد نباشد، یا دچار خطا می‌شود یا خیانت

- سیاست‌مدارانی که عبد نیستند و حقیقت عبد بودن خود را درک نکرده‌اند، یا دچار خطا خواهند شد و یا اینکه خیانت می‌کنند. امام خمینی (ره) فرموده‌اند: کسی که دوست دارد برای خدا کار کند، اگر کس دیگری کار را انجام دهد باید همان قدر خوشحال شود که اگر خودش آن کار را انجام داده بود، خوشحال می‌شد...
- اگر سیاست‌مداری عبد خدا نباشد، می‌گوید: «نه! حتماً باید خودم این کار را انجام دهم!» نتیجه چنین روحیه‌ای هم این خواهد شد که بر سر اینکه چه کسی این کار را انجام دهد، دعوا می‌شود! یعنی بر سر اینکه چه کسی رأی بیاورد دعوا می‌شود.

